

## مبارزات سیاسی حجت‌الاسلام شیخ عباس عاشوری علیه رژیم پهلوی

سید محمدجواد قربی

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه متفکران مسلمان.

Ghorbi68@yahoo.com

**چکیده:** انقلاب اسلامی مرهون مجاهدت نیروهای دینی بوده است و در میان کنشگران مؤثر در نهضت امام خمینی، روحانیت جایگاه ویژه‌ای در مبارزه با رژیم پهلوی داشته است. در نقاط مختلف ایران، روحانیون برای پیاده‌سازی آرمان‌های دینی و استقرار نظام سیاسی اسلام تلاش کردند که از جمله این افراد، حجت‌الاسلام شیخ عباس عاشوری می‌باشد که مبارزات فرهنگی و سیاسی خود با مفسد حکومت پهلوی را در بندر کنگان و سایر شهرهای استان بوشهر انجام داده است. با توجه به اهمیت و جایگاه ایشان در مبارزات سیاسی علیه رژیم پهلوی در استان بوشهر، این مقاله درصدد است با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی (مداقه در اسناد منتشرنشده) و روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تاریخی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که: مبارزات سیاسی شیخ عباس عاشوری در بندر کنگان شامل چه ابعادی بوده است؟ حجت‌الاسلام عباس عاشوری تلاش داشت از همه ظرفیت‌های موجود برای مبارزه با حکومت پهلوی بهره بگیرد و ضمن ارتقاء آگاهی مردم نسبت به عملکرد حکومت پهلوی، سخنرانی‌های سیاسی فراوانی انجام داد و همچنین بارها مورد بازداشت و بازجویی قرار گرفت. به تعبیری، عملکرد ایشان منجر به بسیج نیروهای انقلابی کنگان و شهرهای اطراف علیه استبداد حاکم شد و آشنایی مردم با افکار و اندیشه‌های انقلابی امام خمینی شتاب بیشتری گرفت و همین مسئله عامل ایجاد فضای انقلابی با محوریت مسجد و حوزه علمیه کوزه‌گری با مدیریت ایشان در بندر کنگان شد.

**کلیدواژه‌ها:** شیخ عباس عاشوری، بندر کنگان، مسجد و حوزه علمیه کوزه‌گری، تبلیغ مرجعیت امام خمینی، اعلامیه‌های انقلابی، روحانیون تبعیدی.

## مقدمه

تاریخ معاصر ایران همواره صحنه درگیری‌ها، پیروزی‌ها، شکست‌ها و افتخارآفرینی‌های ملتی بوده که رهایی از استبداد داخلی و استعمار خارجی دو هدف عمده مبارزه‌های آن به شمار می‌آید. در این میان، روحانیت شیعه از آغاز تاکنون همواره کوشیده تا از «دین» و «مردم» در برابر استعمار و استثمار دفاع کند. هرچند شأن بنیادی روحانیت تبیین و اجتهاد در دین است، ولی این بدان معنا نیست که روحانیت از امور اجتماعی و سیاسی غافل باشد. چنان‌که جنبش‌ها و نهضت‌های مهم تاریخ ایران را همواره روحانیت رهبری، سامان‌بخشی و شکل‌دهی کرده است (بابایی، ۱۳۸۹: ۱۰-۹). بنابراین، علمای بزرگی در سرزمین ایران وجود داشته و دارند که شئون بسیار تعیین‌کننده‌ای را در امر حرکت تاریخ برعهده گرفتند. مبارزات و مجاهدات بسیار برجسته علما در نقاط مختلف کشور نظیر روحانیت انقلابی بوشهر، در قضایای مهم کشور نقشی تعیین‌کننده داشت. یکی از شخصیت‌های مبارز و انقلابی شهرستان بوشهر که نقش مؤثری در بسیج سیاسی مردم این استان علیه رژیم پهلوی داشت، شیخ عباس عاشوری است که فعالیت‌های متنوع سیاسی و مبارزاتی ایشان در بندر کنگان طی دهه‌های چهل و پنجاه شمسی نقش مؤثری در پیروزی نهضت اسلامی مردم استان بوشهر داشته است.

حجت‌الاسلام حاج شیخ عباس عاشوری، فرزند حاج شیخ‌علی در سال ۱۳۱۹ش در شهر کنگان متولد و تحصیلات خود را در کنگان، آبادان و قم سپری کرد. وی با روحانی شهید ابوتراب عاشوری<sup>۱</sup> هم‌درس بود. حاج شیخ عباس عاشوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کمیته انقلاب اسلامی، بنیاد شهید، کمیته امداد امام خمینی و دادگستری مسئولیت داشت و مدتی نیز امام جمعه موقت شهر خورموج بود (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۴۹). نکته قابل توجه پیرامون شیخ عاشوری، فعالیت تبلیغی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایشان علیه مفاسد حکومت پهلوی در منطقه بود و ایشان نقش مؤثری در هدایت مردم کنگان علیه رژیم پهلوی داشت و با انتقال پیام‌های سیاسی نهضت اسلامی به مردم منطقه توانست دامنه فعالیت‌های سیاسی اعتراضی را وسعت بخشد.

۱. حجت‌الاسلام ابوتراب عاشوری (۱۳۱۴-۱۳۵۷) در شهرستان دشتی بوشهر به دنیا آمد. خاندان عاشوری از روحانیت انقلابی بودند که نفوذ زیادی در بین مردم بودند. وی تحصیلات دینی را از نوجوانی شروع کرد و برای کسب علوم دینی وارد نجف اشرف شد. عاشوری برای پیشبرد نهضت امام خمینی در بوشهر نقش زیادی ایفا کرد و در آذر ۱۳۵۷ توسط عوامل حکومت پهلوی به شهادت رسید.

با توجه به فقدان پژوهش پیرامون مبارزات شیخ عباس عاشوری در بندر کنگان و اهمیت کارکردهای ایشان در توسعه آرمان‌های انقلاب اسلامی در منطقه، مقاله حاضر در صدد است با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تاریخی به این سؤال اصلی پاسخ دهد که: مبارزات سیاسی شیخ عباس عاشوری در بندر کنگان شامل چه ابعادی در دهه چهل و پنجاه شمسی بوده است؟ مفروض مقاله این است که شیخ عباس عاشوری دارای نقش راهبردی و هدایت مبارزات سیاسی در بندر کنگان بوده و مجاهدت سیاسی ایشان در دوران نهضت انقلاب اسلامی، ترویج اندیشه‌های سیاسی امام خمینی و مبارزه با رژیم طاغوت از طریق بسیج اجتماعی بوده است. همین کارکردها منجر به شکل‌گیری اجماع مردمی علیه سلطنت پهلوی در بندر کنگان و شهرهای اطراف شد.

#### ۱- پیشینه پژوهش

با توجه به اهمیت نقش شیخ عباس عاشوری در مبارزات سیاسی مردم بندر کنگان، تبیین وجوه مبارزاتی و عملکرد ایشان در نهضت انقلاب اسلامی حائز اهمیت است. با وجود این اهمیت و ضرورت، هیچ اثر پژوهشی مستقل در قالب کتاب، پایان‌نامه و رساله‌های دانشگاهی، طرح پژوهشی و مقاله پیرامون این روحانی انقلابی منتشر نشده است. تنها مطلب مستند و علمی پیرامون مبارزات سیاسی عاشوری در بندر کنگان با عنوان «مروری بر مبارزات شیخ عباس عاشوری در دوران پهلوی» انجام شد که پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را در بیست و هشتم تیر ۱۳۹۹ منتشر کرد (قربی، ۱۳۹۹). غیر از این نوشتار تحلیلی و مستند، هیچ اثری درباره زندگانی سیاسی، مبارزات و حتی فعالیت‌های اجتماعی شیخ عباس عاشوری منتشر نشده است. نکته جالب، فقدان تبیین عملکرد سیاسی ایشان در کتاب‌های تاریخی و اسنادی مربوط به بندر کنگان است. رصد و پایش کتاب‌های تاریخی بندر کنگان نشان می‌دهد که صرفاً به ذکر نام ایشان اکتفا شده و نهایتاً کمتر از یک صفحه به اعتراض‌های سیاسی و نقش انقلابی ایشان اشاره شده است. به‌عنوان مثال، در کتاب کنگان در مسیر تاریخ: اسناد تاریخی شهرستان کنگان، در چند پاراگراف به فعالیت سیاسی ایشان اشاره شده است (عبداللهی و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۳۵۸). علاوه بر کتاب‌های پژوهشی، بررسی اسناد تاریخی مربوط به استان بوشهر نشان می‌دهد اسنادی پیرامون ایشان منتشر نشده است. در این راستا، بررسی جلد اول و دوم کتاب انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (استان بوشهر) نشان می‌دهد که نسبت

به اسناد مربوط به این روحانی مبارز غفلت شده است. با توجه به کمبود منابع در زمینه شخصیت مبارز و انقلابی شیخ عباس عاشوری، پرداختن به اسناد منتشرنشده ایشان برای تبیین عملکرد سیاسی وی حائز اهمیت است و می‌توان خلاءهای پژوهشی در این زمینه را تا حدودی مرتفع کند.

## ۲- روش‌شناسی پژوهش

برای انجام پژوهش حاضر از روش مطالعه اسنادی مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. در پژوهش اسنادی، وقایع و پدیده‌های اجتماعی از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌شود (صادقی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۳). در باب پژوهش اسنادی باید اشاره شود که در یک بررسی و تحقیق تاریخی دارای مزایای خاصی است. فاصله زمانی محقق با واقعه تاریخی سبب می‌شود که وی بتواند کل واقعه را در رابطه با وقایع مشابه در جهان آن روز ببیند و تحلیل کند. همچنین، محقق در درون دوره تاریخی پدیده نمی‌تواند دیدی جامع و فراگیر در مورد پدیده داشته باشد و فاصله زمانی که از زمان وقوع حادثه تاریخی تا زمان پژوهش اسنادی پدید می‌آید، به محقق کمک می‌کند تا عوامل اصیل رویکرد تاریخی را با دقت بیشتری بشناسد و از تکرار، اجتناب ورزد و به نتایج نوینی دست یابد (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۵۹). بعد از اینکه اسناد و مدارک مورد نیاز از پرونده‌های شخصی و خودنگاشت‌ها تدارک دیده شد، برای تبیین و توصیف کیفی اسناد منتشرنشده، در ابتدا تلاش می‌شود از تحلیل محتوای اسناد با تأکید بر واحد کلمه و عبارت استفاده شود و بعد از آن، تحلیل داده‌ها انجام می‌شود.

در باب روش کیفی مورد استفاده در این مقاله باید اشاره شود که تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوانی دارد و از این روش می‌توان در پژوهش‌های تاریخی سود جست. به گونه بنیادین، فروکاستن متن به اعداد در تکنیک کمی، به دلیل آنکه موجب از دست دادن اطلاعات ترکیبی و معنا می‌شود، اغلب مورد انتقاد قرار گرفته است. در همین جا، تحلیل محتوای کیفی در جایی که تحلیل کمی به محدودیت‌هایی می‌رسد، نمود می‌یابد. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متن از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، رمزبندی، تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده متون در درون

زمینه ارتباطی، بر طبق قواعد تحلیل محتوا و روش مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت. تحلیل محتوای کیفی این اجازه را می‌دهد که اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کرد. اعتبار نتایج به وسیله وجود یک فرایند رمزبندی نظام مند تضمین می‌شود. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی به فراتر از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۶). روش انجام کار به شرح زیر است: رصد و پایش پیشینه پژوهش (بررسی‌های اکتشافی)، گردآوری اسناد و خودنگاشت (جمع‌آوری اسناد)، تحلیل محتوای اسناد با تأکید بر واحد کلمه و عبارت، تحلیل و توصیف کیفی داده‌ها (تکنیک بررسی منابع و پردازش) و ارائه الگوی پژوهش (گزارش).

### ۳- بررسی شیوه‌های مبارزه و فعالیت‌های شیخ عباس عاشوری

#### ۳-۱- سازماندهی اعتراضات سیاسی علیه پهلوی

نافرمانی مدنی پدیده‌ای چندسویه و پیچیده است که ویژگی‌هایی چون اعتراض سیاسی و آگاهانه بودن، نقض قانون و عدم خشونت در آن نهفته است. از این دیدگاه، شیوه اقدام اعتراض سیاسی و اعتصابات بیشترین تطابق را با مفهوم نافرمانی مدنی دارا هستند (معین‌آبادی و مهربان‌پناه، ۱۳۹۸: ۸۰۵). اثرگذاری اعتراض سیاسی به عنوان یک عامل بی‌ثبات کننده بر روی نقطه تعادل در رژیم‌ها و نظام سیاسی حائز اهمیت است. (خواج‌سروی و حسینی، ۱۳۹۷: ۱۹۹). با توجه به اهمیت اعتراض سیاسی در روند بی‌ثباتی حکومت پهلوی، باید اشاره شود که یکی از شاخصه‌های فعالیت ضدحکومتی در بندر کنگان طی دهه پنجاه، مربوط به اعتراضات سیاسی شیخ عباس عاشوری علیه رژیم پهلوی می‌باشد (عبداللهی و ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۳۵۸).

شیخ عباس عاشوری در خودنگاشت فعالیت‌های سیاسی خویش به «شرکت در راهپیمایی‌های استان بوشهر» (عاشوری، ۱۳۶۳: الف: ۱) اشاره کرده و با نزدیک شدن به سال پایانی رژیم پهلوی، راهبرد «دعوت عمومی به قیام علیه رژیم» (عاشوری، ۱۳۶۳: الف: ۱) را در دستور کار قرار می‌دهد. در راستای اعتراضات سیاسی، عاشوری تلاش کرد با صدور «اطلاعیه مشترک با روحانیون علیه رژیم منحوس پهلوی در دعوت مردم به قیام» (عاشوری، ۱۳۶۳: الف: ۱) روند اعتراضات سیاسی را سازماندهی کند و همین اقدام ایشان

منجر به گسترش فعالیت‌های اعتراضی در بندر کنگان و شهرهای اطراف شد. توصیه‌های راهبردی به مردم کنگان، هدایت اعتراضات سیاسی و رهنمودهای تقابل با عناصر وابسته به رژیم موجب شد تا وی نقشی راهبردی در مدیریت اعتراضات سیاسی داشته باشد. یکی از شاخص‌های اعتراضات سیاسی در سال پایانی حیات خاندان پهلوی در ایران، ایجاد حساسیت در میان مردم نسبت به وضعیت سیاسی کشور همراه با شعارهای سیاسی بود. در این اعتراض‌های سیاسی که همراه با سخنرانی شیخ عاشوری بود، «تکبیر و مرگ بر شاه» (عاشوری، ۱۳۶۳) وارد صحنه مبارزات سیاسی شد که قبل از آن، کمتر در راهپیمایی و اعتراضات بندر کنگان و شهرهای اطراف مورد استفاده قرار می‌گرفت.

در دوازدهم بهمن ۱۳۵۳ از سوی نیروهای ژاندارمری پیشنهاد شد «اصلاح است به منظور جلوگیری از بروز هر گونه درگیری و اشکال در منطقه مزبور، شیخ عباس عاشوری احضار و توجهات لازم در زمینه عدم اظهار چنین مطالبی به وی داده شود» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۴۹). باید در نظر داشت که حضور خاندان عاشوری در روند مبارزات سیاسی علیه پهلوی منجر به دلگرمی مردم و شجاعت آنها در مبارزه می‌شد. به تعبیر دیگر، خاندان عاشوری در بندر کنگان نقش هدایت‌گری، انسجام‌بخشی و مدیریت راهپیمایی‌ها داشتند (مصاحبه نگارنده با عسکر جلالیان، ۱۳۹۹/۰۲/۰۹).

پیرو گزارشی که گ. کریم‌زاده-مامور ژاندارمری- از دیر به بندر کنگان به تاریخ ۶ مهر ۱۳۵۷ پیرو گزارش ۵۰۱/۰۱/۲۹ با موضوع «تظاهر» ارسال کرده است، عاشوری قصد دعوت مردم به تظاهرات داشته و حتی به سمت بندر نزدیک کنگان یعنی بندر دیر برای دعوت به قیام عمومی و اعتراض حرکت کرده است. در این گزارش آمده است: «شیخ عباس عاشوری پیش‌نماز کنگان بوده و قصد دارد فردا مورخه ۵۷/۷/۷ دوباره به دیر آمده و مردم را به تظاهرات دعوت نماید» (سند شماره ۱: ۵۰۱/۱/۳۰).

در راستای بررسی سبک مبارزه سیاسی شیخ عباس عاشوری، باید از منظر بافت مذهبی به موقعیت شهر بندری کنگان توجه کرد. به عبارتی، یکی از ویژگی‌های اجتماعی بندر کنگان بافت مذهبی آن است که اهل سنت و شیعه با یکدیگر زندگی می‌کنند و یکی از اقدامات شیخ عباس عاشوری، تلاش برای مدیریت معترضان اهل سنت در کنار انقلابیون شیعه برای بسیج عمومی علیه رژیم پهلوی بود و این مسئله به شدت موجب نگرانی و ترس نیروهای امنیتی شده بود و به همین دلیل، در گزارشی که در تاریخ ۱۳۵۷/۰۸/۰۹ توسط استانداری بوشهر صادر گردیده، به این نکته اشاره

شده است. در این نامه که توسط اسماعیل خیبری - بخشدار کنگان - برای بطحائی - استاندار وقت بوشهر - ارسال شده، نسبت به قضیه حساس فوق چنین توضیح داده است: احتراماً همان‌طوری که مستحضر می‌باشید کنگان از نظر دینی دو فرقه تشیع و تسنن سال‌های دراز در کنار هم زندگی آرام و بی‌سروصدائی داشته و به صورت مسالمت‌آمیز ادامه حیات داده‌اند. لذا متأسفانه با شروع اغتشاشات و ماجراجویی‌های اوباشان و خرابکاران در کشور، این بخش هم در این زمینه بی‌نصیب نمانده و شخصی به نام عباس عاشوری که شاید معرف حضور باشد، با جمع‌آوری عده‌ای اوباش و اخلاک‌گر به دور خود هر روز بهانه‌ای تازه ساز نموده، درصدد متشنج نمودن منطقه و خرابکاری و طغیان و تظاهر برمی‌آید. با عنایت به اینکه این بخش حساسیت فوق‌العاده‌ای در این زمینه دارد، بدین صورت ۶۰ درصد اهالی را فرقه تسنن تشکیل می‌دهند که از نظر وفاداری تابع قوانین و مقررات ایران بوده و فوق‌العاده به مقدسات ملی و ایرانی بودن خود پایبند می‌باشند، اما اخلاک‌گران و اوباشان حرفه‌ای که خود شیخ عباس عاشوری آنها را رهبری و هدایت می‌نماید، به هر صورت سعی بر این دارد که موجبات ناراحتی و اذیت و آزار آنان را فراهم نماید و با توهین به مقدسات ملی و میهنی و دینی و از طرفی اقدام به نوشتن شعارهای توهین‌آمیز نسبت به خلفا و رهبران دینی آنان درصدد برانگیختن آنها برآمده» (سند شماره ۲، ۱۳۵۷/۰۸/۰۹).

یکی از اقدامات شیخ عباس عاشوری، تبیین اهداف نهضت اسلامی امام خمینی برای نیروهای مردمی و جوانان شهرهای کنگان، دیر و غیره بوده است. در یکی از گزارش‌های بخشداری کنگان به این مسئله با بدبینی نگریسته شده و توضیح آن چنین آمده است:

[عباس عاشوری] بی‌شرمی را به جائی رسانیده که با تشکیل جلسات متعددی برای افرادی چون خود، مراحل انقلاب توده‌ای کارگری و کشاورزی را تشریح می‌نماید و مردم را نیز دعوت به آشوب و طغیان و فعالیت مسلحانه می‌نماید ((سند شماره ۲، ۲/۵۲)).

**جدول ۱. جدول ۱. مختصات اعتراضات سیاسی شیخ عباس عاشوری علیه پهلوی  
براساس اسناد منتشرنشده**

ردیف	کنش اعتراضی
۱	شرکت در راهپیمایی‌های استان بوشهر
۲	دعوت عمومی به قیام علیه رژیم
۳	اطلاعیه مشترک با روحانیون علیه رژیم پهلوی و دعوت مردم به قیام
۴	تکبیر و مرگ بر شاه در سخنرانی‌های اعتراضی شیخ عاشوری
۵	حضور برای سخنرانی سیاسی در بندر دیر و تأثیر بر فعالیت سیاسی این منطقه
۶	نظارت ساواک بر فعالیت‌های اعتراضی شیخ عاشوری به دلیل تأثیر فعالیت‌های ایشان در هدایت نیروهای مومن و انقلابی
۷	سازماندهی و مدیریت اعتراضات سیاسی در منطقه علیه رژیم پهلوی
۸	دستگیری و بازجویی به دلیل سخنرانی‌های اعتراضی در بین مردم

**۳-۲- فعالیت فرهنگی - سیاسی در حوزه علمیه و مسجد کوزه‌گری**

سرمایه اجتماعی به‌وجود آمده در شبکه مساجد ایران توانست در انقلاب اسلامی نقش مهمی را ایفا کند و این نقش منجر به تفوق روحانیت به‌عنوان یک نیروی سیاسی بر دیگر رقبای خود شد (سمیعی و عموزاده، ۱۳۹۳: ۷۳). در این زمینه، مساجد بوشهر به دلیل سخنرانی‌های وعاظ و روحانیون انقلابی این استان و همچنین سخنرانانی که از سایر نقاط کشور به این استان دعوت می‌شدند، نقش مهم و برجسته‌ای در بسیج توده‌های مردم برعهده داشتند. در واقع می‌توان گفت که مساجد به‌عنوان قلب تپنده انقلاب اسلامی ایران، به مرکز تجمع انقلابیون و هدایت آنها تبدیل شده بود. در مساجد استان ضمن برگزاری جلسات مذهبی که از دهه ۴۰ گسترش یافته بود، از طریق کانون‌های مختلف جوانان و نیروهای مذهبی را پرورش می‌دادند. علاوه بر پرورش نیروهای متعهد و انقلابی، مساجد به‌عنوان پل ارتباطی میان روحانیون انقلابی و امام خمینی و مردم، آنها را در جریان تحولات سراسر کشور قرار داده و اعلامیه‌ها، نوارها، عکس‌ها و کتاب‌های آنان را در سطح استان منتشر می‌کردند. براساس اسناد موجود، اجتماع در مساجد برای



استماع سخنرانی‌های سیاسی و تظاهرات علیه رژیم به تدریج افزایش یافته و مساجد به محل‌هایی برای تجمع و بسیج نیروهای مردمی و انقلابی تبدیل شده بودند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵) در این میان، بندر کنگان دارای تاریخ، فرهنگ و جغرافیای سیاسی برجسته‌ای است (رستگار، ۱۳۹۲: ۹۱-۲۱) و یکی از شاخصه‌های سیاسی و فرهنگی معاصر این شهرستان، مسجد و حوزه علمیه کوزه‌گری است که نقش مؤثری در روند انقلاب اسلامی در استان بوشهر داشته است.

حوزه علمیه و مسجد در محله کوزه‌گری کنگان قرار دارند؛ این محله از محلات شیعه‌نشین کنگان است که فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی آن در بیداری و روشنگری مردم تأثیر داشت (اندایشگر، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

ساواک به دلیل شناختی که از فعالیت‌های سیاسی شیخ عباس عاشوری داشت، سال‌ها مانع تأسیس مسجد کوزه‌گری شد و این روند نزدیک به سه سال به طول انجامید تا جایی که با اعتراض عاشوری در برابر مقامات دولتی، این مسجد بازگشایی شد. در بخشی از خاطرات خودنگاشت عاشوری آمده است: «اقدام به ساختن مسجد در کوزه‌گری و جلوگیری ساواک تا مدت سه سال تا آمدن رجاله‌های کشور که بدون پروا افشاگری کردم و فریاد کشیدم که چرا از بنای مسجد جلوگیری می‌شود» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱). عباس عاشوری اعتقاد داشت به دلیل جلوگیری رژیم پهلوی از توزیع کتاب‌های مناسب در میان مردم، لازم بود تا وعاظ و خطیبان دینی از فرصت منبر و خطابه برای توسعه معارف اسلامی و انتقال ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اسلام بهره بگیرند. در بخشی از خاطرات شفاهی ایشان آمده است:

در زمان گذشته، کتاب، حوزه و دانشگاه در حد امروز وجود و گسترش نداشت و سیاست آن زمان نیز بر این بود که قصد بر بی‌سوادی مردم داشتند و اجازه چاپ به کتب مختلف نمی‌دادند و باید فرهنگ و ظرفیت جماعت بالا باشد تا وعاظ و خطبا نیز بتوانند مطالب بیشتری را به مردم انتقال دهند (عاشوری، ۱۳۹۸).

با نظارت و تأیید شیخ عباس عاشوری، نیروهای انقلابی و معترض به رژیم پهلوی در این مسجد به فعالیت سیاسی و بسیج توده‌ها مشغول بودند. گزارش خبر با موضوع «شناسایی محرکین تظاهرات کنگان و دیر» به تاریخ پنجم مهر ۱۳۵۷ نشان می‌دهد یکی از مراکز تجمع نیروهای ضد رژیم پهلوی در بندر کنگان، مدرسه علمیه کنگان با مدیریت عاشوری بوده است. در بخشی از این گزارش آمده است:

افرادی که در بخش کنگان دارای فعالیت‌های مذهبی افراطی بوده و جزء محرکین اصلی در وقایع و اعتراضات دسته‌جمعی اخیر بندر کنگان و دیر بوده‌اند، مورد شناسایی واقع و اسامی آنان به شرح زیر به استحضار می‌رسد... نامبردگان فوق اغلب در مدرسه علمیه کنگان جمع و مبادرت به اظهارات تحریک‌آمیز و خلاف مصالح مملکت می‌نموده... (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۲، ج ۱۱: ۴۱۵).

البته عاشوری در مسجد کوزه‌گری، حوزه علمیه هم تأسیس کرد و با تربیت طلاب انقلابی و متعهد، به پرورش نیروهای مؤثر در نهضت اسلامی همت گماشت. همان‌طور که در خودنگاشت ایشان اشاره شده است، یکی از فعالیت‌های ایشان در دوران پهلوی، «تأسیس مدرسه علمیه و تدریس و پرورش طلاب متعهد» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱) بوده است که به دلیل حساسیت رژیم به فعالیت ایشان در مدرسه علمیه، دستور تعطیلی این مکان از سوی بخشداری منطقه پیگیری شد. به تعبیر ایشان، مخالفت با رژیم پهلوی باعث شد مسئولان وابسته به حکومت پهلوی مترصد تعطیلی این مکان شوند: «دستور تعطیلی مدرسه علمیه از طرف بخشداری حکومت طاغوت به دستور مقامات بالا به جرم مخالفت با رژیم» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱).

#### جدول ۲. فعالیت شیخ عاشوری در مسجد و حوزه علمیه کوزه‌گری

ردیف	کنش اعتراضی
۱	تأسیس مسجد کوزه‌گری با وجود مخالفت و کارشکنی ساواک
۲	نظارت بخشداری کنگان بر عملکرد عاشوری در مسجد و حوزه کوزه‌گری
۳	پرورش طلاب متعهد و انقلابی در مدرسه علمیه کوزه‌گری کنگان
۴	سخنرانی‌های افشاگرانه در مسجد کوزه‌گری
۵	بسیج نیروهای مذهبی با توجه به ظرفیت مسجد کوزه‌گری
۶	اجتماع نیروهای مخالف رژیم در مسجد کوزه‌گری
۷	حساسیت ساواک نسبت به اقدامات شیخ عاشوری در مسجد کوزه‌گری
۸	اظهارات تحریک‌آمیز و خلاف مصالح حکومتی در مسجد کوزه‌گری

### ۳-۳- تبلیغ مرجعیت و رهبری امام خمینی در استان بوشهر

پس از ارتحال آیت‌الله العظمی بروجردی در سال ۱۳۴۰ ش، مرجعیت امام خمینی از جانب روحانیون و برخی مردم به تدریج مطرح شد. با وجود این، به دلایلی از جمله دوری بوشهر نسبت به قم و همچنین فقدان امکانات ارتباطی و افرادی که امام خمینی را به مردم بشناسانند، آشنایی مردم بوشهر با امام خمینی چند سال با تأخیر صورت پذیرفت-البته در مناطق دیگری از کشور این مسئله وجود داشت-، به طوری که اکثر مردم استان بوشهر از اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ نسبت به امام خمینی شناخت کافی پیدا کردند. این عدم شناخت در حالی بود که در شهرهای بزرگ‌تر و نزدیک‌تر به قم و تهران، نسبت به تحولات بعد از پانزدهم خرداد، عکس‌العمل‌های شدیدی از سوی مردم در حمایت از امام خمینی صورت پذیرفته و مبارزات علیه حکومت پهلوی شروع شده بود. با این حال روحانیونی همچون حجت‌الاسلام عاشوری با امام خمینی و سیره سیاسی ایشان آشنایی داشتند و به فعالیت تبلیغی پرداختند (جمیری، ۱۳۹۴). در یکی از گزارش‌های بخشدار دیر به تاریخ ۱۳۵۷/۵/۱، شیخ عباس عاشوری در سخنرانی‌های خود، از امام خمینی به عنوان یک قهرمان یاد می‌کند و در سخنرانی‌های وی، بعد از یاد کردن اسم امام، صلوات در میان جمعیت شنیده می‌شود (سند شماره ۳، آرشیو نگارنده: ۱۹/م).

تبعیت شیخ عباس عاشوری از امام خمینی به نحوی بود که نسبت به هرگونه فشار سیاسی یا فعالیت‌های سرکوب‌گراانه علیه ایشان، واکنش نشان می‌داد. به عنوان نمونه، زمانی که بیت امام در عراق مورد محاصره رژیم بعثی عراق قرار گرفت، شیخ عباس عاشوری به همراه برخی از روحانیون انقلابی بوشهر، تلگرافی در حمایت از امام خمینی صادر کردند. در بخشی از گزارش ساواک آمده است:

اخیراً تلگرافی به امضاء چند نفر از روحانیون بوشهر از جمله سیدمصطفی حسینی، شیخ ابوتراب عاشوری، شیخ عباس عاشوری، شیخ غلامحسین مجددی، عبدالرسول دشتی، مهدی دشتی و شیخ محمد صداقت به سفارت عراق در ایران مخابره و ضمن اظهار تأثر از محاصره منزل خمینی در عراق خواستار رفاه و آزادی وی گردیده‌اند (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

در گزارشی دیگر به نقش شیخ عاشوری در ترویج اهداف انقلابی امام خمینی اشاره شده است: «حضرت حجه‌الاسلام عاشوری (حاج شیخ عباس) از سال‌ها قبل از انقلاب، در ترویج و اهداف امام فعالیت چشمگیری در منطقه داشته و دارند» (سند شماره ۴، ۱۳۶۱/۰۳/۲۵).

یکی از مصادیق مبارزه با رژیم پهلوی که شیخ عباس عاشوری بر آن تأکید داشت، تلاش ایشان برای «تجلیل از مرجعیت و مجاهدت امام خمینی» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱) بود و با توجه به اهتمام به این مسئله، ایشان متهم به حمایت از امام بوده است تا جایی که یک سخنرانی در بحرین در حمایت از امام خمینی انجام داد و بعد از مراجعت به ایران، مورد بازجویی قرار گرفت و همان طور که ایشان اشاره می کند، «مرا متهم به جمع آوری اسلحه جهت طرفداران امام خمینی کردند» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱).

### جدول ۳. فعالیت شیخ عاشوری در تبلیغ مرجعیت و رهبری امام خمینی

ردیف	کنش اعتراضی
۱	یاد کردن از امام خمینی به عنوان یک قهرمان در سخنرانی‌ها
۲	صلوات بعد از ذکر نام امام خمینی در مجامع و سخنرانی‌ها
۳	اظهار تأثر از محاصره منزل امام خمینی در عراق
۴	فعالیت چشمگیر در ترویج اهداف امام خمینی
۵	تجلیل از مرجعیت و مجاهدات امام خمینی
۶	متهم شدن به جمع آوری اسلحه جهت طرفداران امام خمینی

### ۳-۴- تکثیر و توزیع اعلامیه‌های انقلابی امام خمینی

نحوه چاپ و پخش اعلامیه‌های امام خمینی یکی از نقاط برجسته مبارزات هیئت‌های دینی و روحانیت انقلابی بوده است (مرادی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۲-۱۴۰). در این زمینه باید توجه داشت که امام خمینی در طول ۱۷۱ ماه تبعید، از آبان ۱۳۴۳ تا بهمن ۱۳۵۷، از طریق صدور اعلامیه‌های متعدد، مواضع خود را تبیین و مردم را به مبارزه دعوت می کرد؛ تا جایی که اعلامیه‌های امام در کنار نوار کاست سخنرانی‌های ایشان، تبدیل به یکی از رسانه‌های مؤثر انقلاب شد. مبارزان داخل کشور به محض اطلاع از سخنرانی یا انتشار اعلامیه از سوی امام به پخش و تکثیر عمومی آن روی آورده و سپس به توزیع شبانه و مخفی آن در میان سایر افراد اقدام می کردند. از آغاز فعالیت سیاسی رهبری انقلاب اسلامی تا پایان تبعید و بازگشت امام خمینی به ایران در بهمن ۱۳۵۷، ایشان در بیانیه‌های متعددی ضمن افشای جنایات رژیم شاه، همدردی با مردم و مبارزان و تبیین اصول و

آرمان‌های اصیل انقلاب، ارتباط خود را با آحاد جامعه، علی‌رغم تلاش‌های ایدایی فراوان ساواک برای قطع این ارتباط و بازداشت تکثیرکنندگان اعلامیه‌ها ادامه داد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۴۰۰: ۱۶). در همین ارتباط، شیخ عباس عاشوری در زمینه توسعه اندیشه امام خمینی از طریق تکثیر و پخش اعلامیه‌های انقلابی ایشان فعال بود. شیخ عباس عاشوری در خودنگاشت فعالیت‌های سیاسی خویش، بر فعالیت و کنش «پخش کلیه اعلامیه‌های حضرت امام در سراسر منطقه» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱) اشاره می‌کند. نحوه دسترسی ایشان به اعلامیه از طریق تماس تلفنی با انقلابیون فعال و ساکن در قم بوده است. البته دسترسی ایشان به اعلامیه‌ها با همکاری شیخ ابوتراب عاشوری بوده است. وی پیرامون این قضیه چنین توضیح می‌دهد: «شب‌ها در بوشهر از منزل شهید عزیز عموزاده مرحوم شیخ ابوتراب عاشوری، [اعلامیه‌ها] را تلفنی از قم می‌نوشتیم و تکثیر می‌کردیم» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱).

#### جدول ۴. فعالیت شیخ عاشوری در تکثیر و توزیع اعلامیه‌های امام خمینی

ردیف	کنش اعتراضی
۱	پخش اعلامیه در بندر کنگان
۲	تکثیر و توزیع اعلامیه‌های انقلابی امام خمینی در نقاط مختلف استان بوشهر
۳	همکاری با شیخ ابوتراب عاشوری در تدارک اعلامیه‌ها
۴	تهیه اعلامیه‌های انقلابی از طریق تماس تلفنی با روحانیون انقلابی قم
۵	استفاده از منزل ابوتراب عاشوری برای تکثیر اعلامیه‌های انقلابی

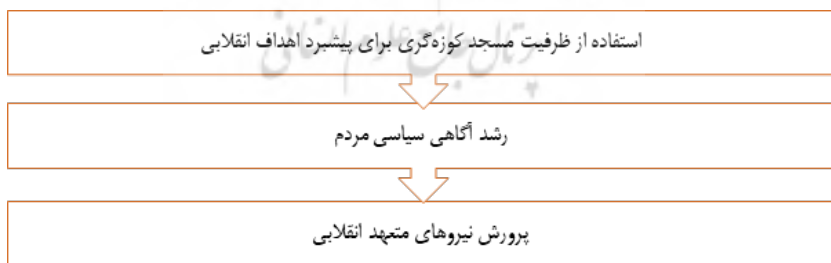
#### ۳-۵- رشد آگاهی و ارتقاء بصیرت سیاسی مردم از طریق فعالیت در مساجد

در دوره پهلوی، روحانیت با محور قرار دادن فعالیت‌های فکری و فرهنگی، سعی در طرح یک فرهنگ سیاسی مستقل در میان مردم به‌عنوان الگوی جایگزین را داشت. در این میان، آنها از ابزارهای گوناگونی برای جامعه‌پذیری سیاسی بهره می‌جستند. یکی از کارویژه‌های مهم روحانیت، رهبری و هدایت دینی مردم و استنباط احکام اسلامی است که این نقش، سبب ایجاد یک رابطه ناگسستنی در تمام مراحل زندگی بین مردم و روحانیت می‌شود. روحانیت با استفاده از این ابزار سعی در برقراری ارتباط با مردم و

گروه‌های مختلف سنی داشت و با طرح حکومت اسلامی، الگوی جدیدی را مطرح کرد. در این مسیر، مساجد، منابر و مجالس وعظ و خطابه از مهم‌ترین راه‌های ارتباط روحانیت با مردم محسوب می‌شد. جان. دی. استمپل<sup>۱</sup> یکی از دیپلمات‌های آمریکا و نویسنده کتاب «درون انقلاب ایران» و از شاهدان نزدیک وقایع انقلاب در این زمینه می‌گوید: یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دایمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. در کشور ۳۵ میلیونی ایران، تقریباً هشتاد تا نود هزار مسجد و ۱۸۰ تا دویست هزار روحانی وجود دارد. سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام از شهری به رهبران شهر دیگر از طریق شبکه مسجد انجام می‌گرفت که توسط روحانیون رده‌بالا صورت می‌گرفت. بنابراین، مسجد مکان ویژه‌ای برای ترویج، تبلیغ و تبیین مبانی فرهنگ اسلام در زمینه‌های مختلف از جمله فرهنگ سیاسی اسلام بوده است. روحانیت به‌عنوان نیروهای اصلی و محوری مساجد، هدایت مذهبی و اجتماعی و حتی سیاسی را برعهده داشتند (علویان، ۱۳۸۲: ۲۴۳-۲۴۲).

با توجه به اهمیت مسجد در رشد بصیرت سیاسی مردم و آگاهی از روند مبارزات سیاسی روحانیت در نقاط مختلف کشور، شیخ عباس عاشوری از مسجد برای تعمیق آگاهی سیاسی مردم استفاده کرد و مسائل سیاسی روز را برای مردم کنگان و شهرهای اطراف تبیین می‌نمود. همان‌طور که ایشان در بخشی از خودنگاشت خویش اشاره می‌کند، یکی از اقدامات ایشان علیه حکومت پهلوی، «اقامه جماعت و روشن کردن مردم به مسائل روز» (عاشوری، ۱۳۶۳: الف: ۱) بوده است.

### شکل ۱. بهره‌گیری از پایگاه مسجد برای فعالیت انقلابی توسط عاشوری



### ۶-۳- مبارزه با مفاسد فرهنگی پهلوی برای بازنمایی تصاویر برهنه در نشریات

ایجاد نوسازی فرهنگی براساس الگوهای غربی، از برنامه‌های حکومت پهلوی دوم بود. تغییر در سبک زندگی زنان، به‌ویژه در زمینه پوشش و خودآرایی آنها، از اقداماتی بود که در این نوسازی فرهنگی صورت گرفت. برای رسیدن به این منظور، نهادهای فرهنگی دولت پهلوی با کمک رسانه‌ها به‌ویژه مطبوعات، الگوهای جدید خودآرایی و مُد را بین قشرهای مختلف تبلیغ می‌کردند و ترویج می‌دادند. هفته‌نامه‌ها و مجلات مربوط به بانوان الگوهای مطلوب دولت را منتشر می‌کردند. این نشریات به علت همسببودن با سیاست‌های فرهنگی دولت پهلوی دوم، به‌ویژه در زمینه پوشش و خودآرایی زنان، در تبلیغ مُد و خودآرایی به سبک غربی نقش مؤثری ایفا می‌کردند. (معظمی گودرزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۳). با توجه به افزایش فعالیت‌های غیراخلاقی و خلاف موازین شرعی در مجلات مختلف حکومت پهلوی در خصوص بازنمایی تصاویر برهنه دختران و زنان، روحانیت به مخالفت با مفاسد حکومت پهلوی در عرصه فرهنگی پرداختند. یکی از این شخصیت‌ها، شیخ عباس عاشوری در بندر کنگان بود که موضع‌گیری صریحی نسبت به اقدام ناشایست در نمایش تصاویر برهنه زنان در مجلات هفتگی و ماهانه داشت.

همان‌طور که اشاره شد، یکی از اقدامات شیخ عباس عاشوری در دهه پایانی حیات پهلوی، مبارزه فرهنگی با رژیم استبدادی بود و در این مسیر، در سخنرانی‌ها و اعتراضات خویش بر مفاسد فرهنگی تأکید داشت و از مردم درخواست می‌کرد با این پدیده‌های غربی و عموماً ضدارزشی مبارزه کنند. به‌عنوان نمونه، ایشان پیرامون وضعیت نامناسب مجله‌ها در توزیع تصاویر خلاف شرح از بانوان هشدار می‌داد. در همین زمینه، در گزارشی به تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۵۳ اشاره شده که شیخ عاشوری پیرامون مظاهر بی‌حجابی و تصاویر نامناسب در مطبوعات سخنرانی کرده است. در بخشی از این گزارش آمده است:

شیخ عباس عاشوری که از طرف عده‌ای از اهالی کنگان به منظور وعظ و سخنرانی‌های مذهبی در ماه محرم دعوت شده است، شب هفتم محرم در بالای منبر ضمن صحبت پیرامون مسائل مذهبی، از مجله‌هایی که عکس‌های لخت در معرض دید قرار می‌دهند انتقاد نمود (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۴۹).

### ۳-۲- رسیدگی به وضعیت روحانیون تبعیدی

تقابل رژیم پهلوی با جریان‌های دینی و مذهبی مخالف، به‌ویژه حوزه‌های علمیه و روحانیت، بسیار حائز اهمیت است. با بررسی رفتار و منش حکومت پهلوی در قبال روحانیت می‌توان به این نکته دست یافت که رژیم پهلوی با بهره‌مندی از همه راهبردها و ابزارهای ایجابی و سلبی، سیاست فشار همه‌جانبه علیه نهاد روحانیت را اعمال کرد؛ تلاش برای تطمیع روحانیت و اقداماتی مانند عملیات تهمت و افترا، شایعه‌سازی، اهانت و توهین، تهدید و ارعاب (تقابل سلبی نرم) و همچنین هجوم به مراکز حوزوی، تبعید، زندانی و شکنجه کردن روحانیون انقلابی (تقابل سلبی سخت) (استادیان خانی و اصغریان دستنایی، ۱۳۹۹: ۱۱۱). یکی از سیاست‌های پهلوی که در سال‌های پایانی حیات این رژیم استبدادی بسیار رایج شد، تبعید روحانیت انقلابی بود. اما شبکه اجتماعی گسترده روحانیت و مردم باعث حمایت از روحانیون تبعیدی شد و آنها در شرایط تبعید توانستند رسالت انقلابی خویش را پیگیری کنند و موجبات روشنگری و بسیج سیاسی مردم علیه سلطنت پهلوی را فراهم آورند.

یکی از ویژگی‌های شیخ عباس عاشوری، همکاری با تبعیدی‌ها و روحانیون انقلابی بود که برای اقامت اجباری وارد کنگان می‌شدند. ایشان با همکاری و مساعدت روحانیون تبعیدی، به فعالیت سیاسی و مبارزاتی خویش ادامه می‌داد، تا جایی که یکی از گزارش‌های مأمورین ژاندارمری کنگان اشاره می‌کند که وی با این عملکرد خود باعث بی‌نظمی در منطقه شده است (سند شماره ۵، ۵/۱۲/۹۵). ایشان در بخشی از خاطرات منتشرنشده خویش به مسئله «پناه به تبعیدشدگان انقلابی و اسکان آنان در سال ۱۳۵۲» (عاشوری، ۱۳۶۳: ۱) اشاره می‌کند.

از جمله روحانیون تبعیدی به کنگان، شهید محراب آیت‌الله سیداسدالله مدنی بود. در گزارش مورخ ۱۸ مرداد ۱۳۵۷ با موضوع «سیداسدالله مدنی واعظ» آمده است: «یک نفر واعظ به نام سیداسدالله مدنی که به کنگان تبعید گردیده بود، از بدو ورود خود در منزل شیخ عباس عاشوری اقامت نمود» (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۱۵۲؛ قربی، ۱۴۰۰: ۳۰۴-۳۰۳).

غلامحسین عاشوری-برادر شیخ عباس عاشوری- در این باره اشاره می‌کند که امور شهید محراب در زمینه «میزبانی از مهمانان»، «برنامه‌ها» و «جلسات» برعهده شیخ عباس عاشوری بود (مصاحبه با غلامحسین عاشوری، ۱۳۹۹/۰۴/۰۶). حاج عظیم عظیم‌پناه یکی



دیگر از مطلعان نقل می‌کند که رسیدگی اولیه به وضعیت آیت‌الله مدنی در کنگان توسط شیخ عباس عاشوری انجام شد (مصاحبه با عظیم عظیم‌پناه، ۱۳۹۹/۰۲/۰۶؛ قری، ۱۴۰۰: ۳۰۴-۳۰۳) و در بخشی از خاطرات ایشان آمده است:

شیخ عباس عاشوری که از مبارزان شهر کنگان بود، بعد از تبعید شهید مدنی به کنگان، در پاسگاه ژاندارمری حضور می‌یابد و خواستند که شهید مدنی را به ایشان تحویل دهند و بعد ایشان را در حوزه علمیه بندر کنگان مستقر می‌کنند و به ایشان جا و مکان می‌دهند (قری، ۱۳۹۹: ۴۸).

در خودنگاشت عاشوری پیرامون شهید مدنی و همراهی با ایشان طی دوران تبعید کوتاه‌مدت در بندر کنگان اشاره شده است که «اسکان شهید محراب آیت‌الله مدنی در منزل» را برعهده گرفته و حتی «یک سخنرانی تند در مسجد چغادک با حضور برادران لر در زمان انتقال شهید محراب آیت‌الله مدنی» انجام داده است (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱).

علاوه بر رسیدگی به وضعیت آیت‌الله سیداسدالله مدنی در بندر کنگان، ایشان نسبت به سایر روحانیون تبعیدی در شهرهای اطراف حساسیت داشت و برای رسیدگی به وضعیت آنها، به شهرهای برازجان و بندر لنگه سرکشی می‌کرد.

آذری قمی یکی از روحانیون تبعیدی در منطقه برازجان بود (یاحسینی، ۱۳۸۸: ۲۷۵) که مورد توجه روحانیت منطقه قرار گرفت. در بخشی از خاطرات ایشان آمده است: «از ارادتمندان امام بودیم. چندین مرتبه زندان‌های کوتاه حداکثر یکی از آنها شش ماه بود تحمل کردم و سپس در سال ۱۳۵۲ش به مدت سه سال به برازجان تبعید شدم» (مجموعه نویسندگان، ۱۳۷۹: ۱۳۲). در این مدت، شیخ عباس عاشوری با ایشان ارتباط داشت و همان‌طور که در رئوس فعالیت‌های انقلابی خویش در دهه پنجاه شمسی اشاره می‌کند، یکی از فعالیت‌های ایشان، «سرکشی به آذری قمی در برازجان» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱) بوده است.

یکی دیگر از تبعیدی‌ها در منطقه لنگه، سید کاظم نورمفیدی بود (مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، ج ۱۰: ۱۷۹). شیخ عباس عاشوری به ایشان هم رسیدگی کرد. علاوه بر ایشان، عاشوری اشاره کرده که با حجج اسلام شیخ صادق خلخالی و دستغیب هم ارتباط داشته و در دوران تبعید آنها در جنوب کشور، با آنها ارتباط و همکاری داشته است. در بخشی از خاطرات ایشان آمده است: «سرکشی [رسیدگی] به روحانیون محترم تبعید شده

در لنگه به حجج اسلام آقایان خلخالی و سید کاظم نورمفیدی و سیدعلی اصغر دستغیب» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱).



شکل شماره ۲. رسیدگی به وضعیت روحانیون تبعیدی استان بوشهر توسط شیخ عباس عاشوری

### ۳-۸- سخنرانی‌های سیاسی در اجتماع مردمی علیه استبداد پهلوی

شیخ عباس عاشوری از رژیم پهلوی هراسی نداشت و همواره در جمع نیروهای انقلابی به عملکرد عوامل حکومت انتقاد می‌کرد. در یکی از دستنوشته‌های شیخ عباس عاشوری، رژیم سیاسی مستقر را با عناوینی همچون «حاکمیت فاسد»، «نظام طاغوتی»، «سلطه جابرانه نظام پلید شاهنشاهی» و «مراکز سیاسی منحوس» مورد خطاب قرار می‌دهد (قربی، ۱۳۹۹). از جمله شاخص‌های مبارزه سیاسی عاشوری در کنگان و سایر شهرهای استان بوشهر، «سخنرانی سیاسی علیه استبداد پهلوی» بوده است. به عبارتی، ایشان با سازماندهی میتینگ و جلسات اعتراضی مختلف، به سخنرانی می‌پرداخت و از این طریق سعی در اعتراض، ترویج افکار عمومی و سازماندهی مردم برای شکل‌دهی به نهضت اسلامی در منطقه داشت.

بررسی اسناد و مدارک موجود از شیخ عباس عاشوری نشان می‌دهد که ایشان علاوه بر سخنرانی‌های متعدد در بندر کنگان در شهرهای تنگستان، دلوار و بندر دیر نیز سخنرانی کرده است. البته همان‌طور که در خودنگاشت عاشوری اشاره شده است، این سخنرانی‌ها صرفاً یک بار نبوده بلکه در این شهرها چندین بار سخنرانی اعتراضی و روشنگرانه داشته و حتی گاهی جمعیت حاضر در سخنرانی‌ها به چند هزار نفر می‌رسیده

است. در عین حال، در برخی از سخنرانی‌های عمومی، ایشان با مدیریت صحنه تلاش داشت طعام مردم انقلابی را که از شهرهای اطراف می‌آمدند، تأمین کند. با توجه به توضیحات فوق می‌توان اشاره کرد که سخنرانی‌های سیاسی عاشوری دارای چند ویژگی بود:

الف) تکرار سخنرانی‌های اعتراضی در شهرهای اطراف،  
 ب) عدم اکتفا به فعالیت سیاسی و سخنرانی‌های اعتراضی در بندر کنگان و حضور در شهرهای اطراف برای پیشبرد اهداف نهضت امام خمینی  
 پ) توجه به طعام عمومی در جلسات سخنرانی باشکوه  
 ت) حضور گسترده مردم در جلسات سخنرانی شیخ عباس عاشوری نظیر سخنرانی‌های گسترده در کنگان، تنگستان و دلوار در سال پایانی رژیم پهلوی.  
 در بخشی از دست‌نوشته‌های عاشوری مربوط به فعالیت‌های دهه چهل و پنجاه شمسی، بارها به مسئله سخنرانی‌ها و میتینگ‌های سیاسی اشاره شده است که به‌عنوان نمونه، به چند مورد اشاره می‌شود؛ «دعوت از کلیه مردم استان به کنگان و تشکیل یک میتینگ علیه رژیم و ناهار بیش از چهل هزار نفر اطعام کردم»، «چند سخنرانی مهم در بندر دیر که مدارک آن موجود است»، «چند سخنرانی مهم در کنگان که مدارک آن، گزارش بخشدار وقت است<sup>۱</sup>» و «چند سخنرانی مهم در تنگستان و دلوار و یک میتینگ عمومی با طعام عمومی» (عاشوری، ۱۳۶۳: ۱). در خاطرات اکبر اندایشگر آمده است:

شیخ عباس عاشوری امام جماعت مسجد کوزه‌گری و مدیریت مدرسه علمیّه کنگان را برعهده داشتند. مردم شیعه کنگان نسبت به شیخ عباس عاشوری ارادت خاصی داشتند. از آن طرف شیخ عباس عاشوری عموزاده شهید ابوتراب عاشوری است؛ شیخ ابوتراب هم از مبارزین بنام استان و روحانیون کشور است. لذا با حضور شهید مدنی در کنگان سفارشات و دیدارهای شهید ابوتراب عاشوری با آقا صورت می‌گیرد و به‌خاطر همین مرحوم حاج شیخ عباس عاشوری از روی خلوص نیت و صادفانه به‌عنوان یک مرید در خدمت مراد خود بود. جالب است در مسجد کوزه‌گری مردم جمع شده بودند، شهید

۱. در مورد تاریخ دقیق این وقایع، اطلاعاتی در دسترس نیست و با توجه به پیگیری‌های نگارنده، اسناد مربوط به نیروهای ژاندارمری و ساواک در زمینه این رویدادها یافت نشد و این اطلاعات صرفاً در خودنگاشت شیخ عباس عاشوری وجود دارد که تاریخ دقیقی این رویدادها ذکر نشده است.

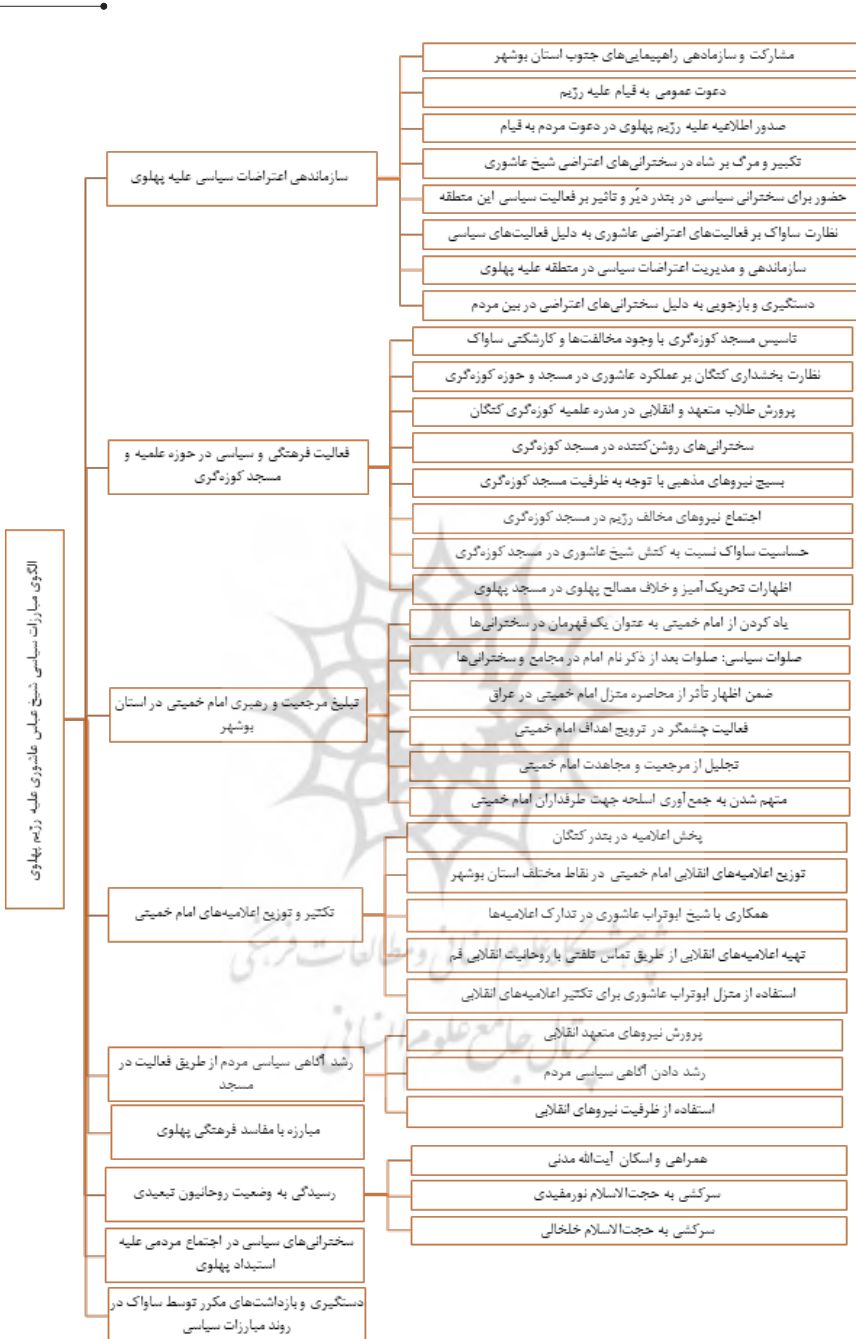
مدنی به مرحوم شیخ عباس می‌گوید: «بلند شو و برای مردم سخنرانی بکن و از هیچ چیز و هیچ کس ترس، فقط از خدا بترس». مرحوم شیخ عباس اطاعت کرده و یک سخنرانی انقلابی هم می‌نماید. شیخ عباس تا زمانی که آقای مدنی در کنگان بود، همراه و یاور ایشان بودند (اندایشگر، ۱۳۹۹: ۱۰۰).

#### ۴- دستگیری و بازداشت‌های مکرر توسط ساواک

رژیم پهلوی با نگاه سیاست‌زده به عرصه دینی، از هرگونه اندیشه دینی مترقی که به گونه‌ای بتواند حوزه سیاست و منافع یک‌سویه آن را به چالش بکشد، جلوگیری می‌کرد. شاه، سیاست دین تابع دولت را به شدت دنبال می‌کرد و دینی را ترویج می‌کرد که به موازات سیاست‌های او باشد یا نسبت به سیاست‌های اجتماعی و فرهنگی بی‌تفاوت باشد و به شدیدترین وجهی به اسلام و روحانیت مترقی مخالف می‌تاخت. در راستای همین سیاست نیز بخشی از تبعید، شکنجه‌ها، زندانی‌ها و تبعیدیان را روحانیت مبارز تشکیل می‌دادند (مقدم‌فر، ۱۳۸۹: ۹). شیخ عباس عاشوری به دلیل داشتن افکار سیاسی مخالف حکومت وقت، ارتباط با انقلابیون طرفدار امام خمینی و طرفداری از نهضت ایشان، همواره مورد توجه رژیم در استان بوشهر بود.

به دلیل مبارزات سیاسی، شیخ عباس عاشوری بیش از یازده بار توسط نیروهای امنیتی و ساواک مورد بازداشت و بازجویی قرار گرفت و طبق نوشتارهای شخصی ایشان، طی سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۵، بارها توسط ساواک استان بوشهر دستگیر شد: «دستگیر شدن توسط ساواک ضاله بوشهر در یازده مرتبه که در مناسبت‌های مختلف صحبت کرده‌ام از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۵» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱). حتی بعد از فعالیت‌های تبلیغی و مذهبی در خارج از کشور، مورد مؤاخذه و بازرسی قرار می‌گرفت، تا جایی که خود ایشان اشاره کرده است: «در مراجعت از بحرین قبل از رسیدن به خانه مرا دستگیر و اثاثیه‌ام را توسط ساواک بازرسی کردند» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱).

فعالیت‌های ایشان به اندازه‌ای مورد خشم ساواک بوده است که یک بار مستقیماً توسط رئیس ساواک بوشهر دستگیر شد و براساس اظهارات ایشان، «در سال ۱۳۴۳ توسط سرهنگ مکرری رئیس ساواک طاغوتی بوشهر دستگیر شدم» (عاشوری، ۱۳۶۳ الف: ۱). در پایان، الگوی کنشگری سیاسی شیخ عباس عاشوری علیه رژیم پهلوی مبتنی بر تحلیل محتوای اسناد منتشر نشده در شکل شماره ۳ نمایش داده شده است.



شکل شماره ۳. الگوی کنشگری سیاسی شیخ عباس عاشوری علیه رژیم پهلوی

## نتیجه‌گیری

مقاله حاضر درصدد تبیین عملکرد و کنش سیاسی شیخ عباس عاشوری علیه رژیم پهلوی بر اساس اسناد و مدارک منتشرنشده است و از آنجایی که تاکنون پیرامون مبارزات سیاسی شیخ عباس عاشوری هیچ پژوهش مستقلی منتشر نشده است، نگارنده تلاش کرد با گردآوری اسناد و مدارک شیخ عاشوری به تبیین جایگاه ایشان در سیر مبارزات نهضت اسلامی در استان بوشهر بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که سبک مبارزه سیاسی عاشوری بیشتر مبتنی بر روشنگری و سازماندهی نیروهای انقلابی علیه رژیم حاکم بوده است. ایشان در دهه‌های چهل و پنجاه سعی کرد نیروهای انقلابی را پرورش دهد و در سال‌های پایانی حیات حکومت پهلوی، سازماندهی نیروهای سیاسی منطقه را برعهده داشت و برای پیشبرد اهداف نهضت امام خمینی از ظرفیت مسجد و حوزه علمیه کوزه‌گری بهره گرفت و با تلاش خویش، نیروهای متعددی را پرورش داد که علاوه بر روند انقلاب اسلامی، در دوران دفاع مقدس هم نقش برجسته‌ای داشتند.

ایشان تلاش کرد با تبلیغ مرجعیت امام خمینی و توزیع اعلامیه‌های انقلابی ایشان، فضای منطقه را پذیرای اندیشه و آرمان‌های انقلابی این رهبر سیاسی کند و سخنرانی‌های فراوان ایشان، کمک شایانی به توسعه تفکرات انقلابی و اندیشه سیاسی اسلام در میان مردم پیرامون نظام سیاسی اسلامی و حکومت عادلانه کرد. ایشان با همکاری شیخ ابوتراب عاشوری، به تکثیر و توزیع اعلامیه‌ها می‌پرداخت و در پی رشد آگاهی سیاسی و بصیرت مردم بود و نه تنها در بندر کنگان، بلکه در شهرهای اطراف نظیر بندر دیر، دلوار، تنگستان، لنگه و غیره به فعالیت و مبارزه پرداخت و با بسیج نیروهای مذهبی، کمک شایانی به شکل‌گیری راهپیمایی‌های گسترده در جنوب استان بوشهر کرد که با شعارهای انقلابی و ضد رژیم همراه بود.

او با درایت و هوشیاری، نسبت به مفساد فرهنگی رژیم نظیر عملکرد مجلات و مطبوعات پهلوی هشدار داده و در سخنرانی‌ها نسبت به این اقدام حکومت پهلوی اعتراض داشت. علاوه بر موارد ذکرشده، شیخ عباس عاشوری نسبت به تبعیدی‌ها حساس بود و رسیدگی به امور روحانیون تبعیدی در دستور کار ایشان قرار داشت. از جمله اقدامات ایشان در این زمینه می‌توان به اسکان و همراهی با آیت‌الله مدنی در کنگان اشاره کرد که منشأ بیداری سیاسی مردم و توسعه فعالیت‌های هدایت‌گرانه در

منطقه شد. علاوه بر آیت‌الله مدنی، شیخ عاشوری به وضعیت تبعیدی‌های شهرهای اطراف نیز توجه داشت و در زمان حضور حجج اسلام آقایان نورمفیدی، دستغیب و خلخالی در بندر لنگه، به آنها رسیدگی می‌کرد. بنابراین می‌توان اشاره کرد که کنشگری شیخ عباس عاشوری نه تنها در بندر کنگان، بلکه در شهرهای اطراف هم قابل رؤیت بود و اقدامات ایشان در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، منشأ خدمات ارزنده‌ای بود که مهم‌ترین آنها، آمادگی مردم برای مقابله با حکومت پهلوی و حمایت از نظام اسلامی به رهبری امام خمینی بود.

### منابع و مآخذ

#### الف) کتاب‌ها و مقالات

- استادیان‌خانی، علیرضا؛ اصغریان دستنایی، محمد (۱۳۹۹)، «واکاوی فرایند رویارویی پهلوی دوم با نهاد روحانیت (۱۳۵۷-۱۳۲۰)»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، تابستان، شماره ۶۱.
- اندایشگر، اکبر (۱۳۹۹)، «سفیر انقلاب در بندر کنگان»، در: *مهاجر فی سبیل الله: ویژه‌نامه شهید محراب آیت‌الله سیداسدالله مدنی*، گردآورنده: سیدمحمدجواد قربی، تهران، انتشارات فرهیختگان دانشگاه، چاپ اول.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی»، *فصلنامه عیار پژوهش در علوم انسانی*، سال سوم، پاییز و زمستان، شماره ۶.
- بابایی، امید (۱۳۸۹)، *سازمان روحانیت شیعه در عصر رضاشاه پهلوی*، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، چاپ اول.
- جمیری، محمد (۱۳۹۴)، «کانون‌های مبارزه: تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی در بوشهر»، *هفته‌نامه تاریخ شفاهی ایران*، هشتم مهر.
- خواجه‌سروی، غلامرضا؛ حسینی، سیدجواد (۱۳۹۷)، «دوگانه اعتراض سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *مجله دانش سیاسی*، سال چهاردهم، پاییز و زمستان، شماره ۲۸.
- رستگار، زکریا (۱۳۹۲)، *کنگان (تاریخ، سرزمین، فرهنگ)*، زیر نظر اداره کل میراث فرهنگی، بروجن، نشر آبتین نگار، چاپ اول.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، جلد اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم.

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (۱۴۰۰)، «اعلامیه‌های امام خمینی»، *روزنامه ایران*، سیزدهم خرداد، شماره ۷۶۴۴.
- سمیعی، محمد؛ و عموزاده مهدیرجی، حنیف (۱۳۹۳)، «سرمایه اجتماعی مساجد و انقلاب اسلامی ایران: مطالعه موردی شبکه اجتماعی مسجد هدایت»، *نژوهشنامه علوم سیاسی*، سال نهم، پاییز، شماره ۳۶.
- صادقی فسایی، سهیلا؛ عرفان‌منش، ایمان (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی»، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، دوره هشتم، بهار، شماره ۲۹.
- عاشوری، عباس (۱۳۹۸): «مروری بر زندگی پدر شهید عاشوری: پنجاه سال روضه‌خوانی همراه با فعالیت‌های انقلابی و اجتماعی شیخ عباس عاشوری»، متن مصاحبه خبرنگار ثلاث با حاج شیخ عباس عاشوری، مورخ بیست و هشتم تیر ۱۳۹۸.
- عبداللهی، حسن؛ ابراهیمی، محمود (۱۳۹۹)، *کنگان در مسیر تاریخ: اسناد تاریخی شهرستان کنگان*، تهران، نشر نخستین، چاپ اول.
- علویان، مرتضی (۱۳۸۲): «نقش علما در جامعه‌پذیری سیاسی با تأکید بر انقلاب اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، بهار، شماره ۲۱.
- قربی، سید محمدجواد (۱۴۰۰)، *سیدالعلماء الاعلام: تاریخ شفاهی زندگانی، شخصیت و فعالیت‌های شهید محراب آیت‌الله مدنی*، تهران، نشر شاهد (سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت فرهنگی و امور اجتماعی)، چاپ اول.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۹)، «فعالیت‌های انقلابی شهید محراب آیت‌الله مدنی در استان بوشهر»، در: *مهاجر فی سبیل‌الله: ویژه‌نامه شهید محراب آیت‌الله سیداسدالله مدنی*، گردآورنده: سیدمحمدجواد قربی، تهران، انتشارات فرهیختگان دانشگاه، چاپ اول.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۹): «مروری بر مبارزات شیخ عباس عاشوری در دوران پهلوی»، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بیست و هشتم تیر.
- مجموعه نویسندگان (۱۳۷۹)، *خبرگان ملت: شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان رهبری*، دفتر اول، تهران، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، چاپ اول.
- مرادی‌نیا، محمدجواد (۱۳۸۷)، *امام خمینی و هیأت‌های دینی مبارز*، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، جلد ۱۰، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۲)، *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*، جلد ۱۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.



- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۸۳)، **شهید حجه‌الاسلام و المسلمین شیخ ابوتراب عاشوری به روایت اسناد ساواک**، تهیه و تنظیم مرکز بررسی اسناد تاریخی؛ اداره کل اطلاعات استان بوشهر، قم، نشر دلیران، چاپ اول.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۹۵)، **انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (استان بوشهر)**، جلد ۱، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۹۵)، **انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (استان بوشهر)**، جلد ۲، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چاپ اول.
- معظمی گودرزی، سودابه؛ شهیدانی، شهاب؛ و ثواقب، جهانبخش (۱۴۰۰): «مسائل مُد و خودآرایی زنان در نشریه اطلاعات بانوان»، **فصلنامه پژوهش‌های تاریخی**، دوره سیزدهم، تابستان، شماره ۵۰.
- معین‌آبادی، حسین؛ مهربان‌پناه، معین (۱۳۹۸)، «شناسایی مصادیق نافرمانی مدنی در جنبش‌های اجتماعی معاصر ایران (۱۳۵۷-۱۲۶۹)»، **فصلنامه سیاست**، پاییز، شماره ۵۱.
- مقدم‌فر، گلنار (۱۳۸۹)، «پهلوی، خردستیزی و تلاش برای دین‌زدایی»، **روزنامه رسالت**، پانزدهم اردیبهشت، شماره ۶۹۷۷.
- یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۸۸)، **خاطرات ماشاءالله کازرونی: روایت شفاهی از هفتاد سال مبارزه ضداستعماری و استبدادی دشتستان**، تهران، شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ اول.

### (ب) اسناد و مدارک (آرشیو نگارنده)

- سند شماره ۱ (۱۳۵۷): «تظاهر»، شماره ۵۰/۱/۰۱/۳۰، مورخ ۵۷/۵/۶.
- سند شماره ۲ (۱۳۵۷): «خیلی محرمانه مستقیم: استانداری بوشهر»، شماره ۲/۵۲، مورخ ۱۳۵۷/۰۸/۰۹.
- سند شماره ۳ (۱۳۵۷): «مقام معظم استانداری بوشهر»، شماره ۴/۱۹، مورخ ۵۷/۵/۱.
- سند شماره ۴ (۱۳۶۱): «مدرسه علمیه محمودیه شیراز»، فاقد شماره، مورخه ۱۳۶۱/۰۳/۲۵.
- سند شماره ۵ (۱۳۵۷): «از ژاندارمری دیر به ژاندارمری کنگان»، شماره ۵۰/۱/۱۲/۹، مورخ ۵۷/۶/۱.
- عاشوری، عباس (الف) (۱۳۶۳): **بیوگرافی فعالیت‌های قبل از انقلاب از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۷**، بندر کنگان، منتشرنشده.
- عاشوری، عباس (ب) (۱۳۶۳): **اجمالی از خاطره انقلاب و قیام پربار و خونین حزب‌الله در بندر کنگان و دیر در سال ۱۳۵۷**، بندر کنگان، منتشرنشده.

### پ) مصاحبه‌های نگارنده

- جلالیان، عسکر، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، تهران.
- عاشوری، غلامحسین، ۶ تیر ۱۳۹۹، بوشهر.
- عظیم‌پناه، عظیم، ۶ اردیبهشت ۱۳۹۹، بندر کنگان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی